

ایران ورزشی؛ از دیروز تا امروز

مدیرانی متنوع خبرنگارانی کمال طلب



وصال روحانی

Vesal Rohani



اوایل اردیبهشت سال ۱۳۷۳ یعنی ۲۶ سال و یک ماه پیش بود که محمدرضا کردی با من تماس تلفنی گرفت. او مدیر سرویس ورزشی خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) بود و چون مقرر شده بود که «ایرنا» اقدام به تهیه و انتشار روزنامه‌ای جامع کند، از من برای صفحه ورزشی طلب کمک کرد. در آن زمان در روزنامه اطلاعات و مجله دنیای ورزش کار می‌کردم و با چنین پیش‌زمینه‌ای قرار شد خردادماه دیداری با آقای کردی در محل ساختمان روزنامه ایران که در خیابان آپادانا واقع بود (و هنوز هم هست) داشته باشم و راجع به کلیات کار صحبت کنیم. وقتی وارد ساختمان که در آن زمان بالنسبه تازه ساخت بود، شدم محمد علمی مسئول انتظامات مؤسسه در پشت میز کوچکی نشسته و اندک افراد مراجعه‌کننده را به محل‌های مورد نظرشان راهنمایی می‌کرد. هنوز برخی کارهای ساختمانی و تعمیری در قسمت‌هایی از مؤسسه جریان داشت و سنگ و آجرها در برخی قسمت‌ها و بخصوص طبقه همکف روی هم چیده شده بود.

شروع با ۵۰-۵۰

در طبقه سوم مؤسسه که مختص تحریریه و سرویس‌های مختلف آن بود (و هنوز هم هست) با آقای کردی که در انتظارم بود دیدار و حدود دو ساعت گفت‌وگو کردیم. به من گفت از افراد زیادی شنیده که در کار روزنامه‌نگاری پیشینه‌ای دارم و به این نتیجه رسیده که می‌توانم کمک‌حال او و بواقع عصای دست روزنامه باشم. در گفت‌وگوهای سران ایرنا پیرامون نحوه شکل‌گیری روزنامه ایران مقرر شده بود که برای هر یک از سرویس‌های روزنامه ۵۰ درصد از نفرات ایرنا و ۵۰ درصد هم از افراد بیرونی و روزنامه‌نگاران متخصص استفاده شود. بر همین اساس تصمیم گرفته شد که از جانب ایرنا رضا میرزاییان (که اینک بازنشسته شده است)، فاطمه جعفری و البته خسرو والی‌زاده به گروه ورزشی بپیوندند و خسروخان به سبب مهارت و سابقه‌اش معاون گروه ورزشی شد. برای سه عضو غیر ایرانی سرویس ورزشی روزنامه ایران هم روی جمشید حمیدی متخصص والیبال، صدرالدین کاظمی کارشناس کشتی و البته خودم به اجماع رسیدیم. به این ترتیب کار روزانه و تولید و نشر خبر و بستن صفحات امتحانی و انتشار شماره‌های موسوم به «صفر» (نسخه‌هایی که روزنامه‌ها انتشار می‌دهند تا کیفیت کار خود را بسنجند اما روی دکه‌ها نمی‌رود) آغاز شد که اواخر تابستان و طول پاییز ۱۳۷۳ را در بر گرفت.

شروع انتشار و رفت و آمدها

سرانجام در روز اول بهمن آن سال اولین شماره روزنامه ایران با شعار معروف «بخوان، ایران بخوان» روی دکه مطبوعات رفت و دیری نپایید که شانه به شانه «همشهری» ارکان خبری شهرداری تهران که از یکی دو سال قبل از «ایران» منتشر می‌شد، سایید و تبدیل به یکی از قطب‌های جدید مطبوعات کشور شد. «ایران» دارای یک صفحه ورزشی خبری بود ولی در اکثر روزها در قسمت فیچر (لایه) هم سهمی یک صفحه‌ای بر ورزش و مطالب غیر خبری و گزارش‌ها و مصاحبه‌های آن اختصاص می‌یافت. با این حال در گروه اولیه تشکیل‌دهنده سرویس ورزشی تغییراتی حادث شد. والی‌زاده که در برخی موضوعات با خط‌مشی سرویس و سیاست‌های متخذه آن موافق نبود، پس از گذشت چند ماه از سرویس جدا شد و خانم جعفری ازدواج کرد و به همسرش که ساکن کشوری دیگر بود، پیوست. صدرالدین کاظمی هم پیشنهاد هدایت سرویس ورزشی روزنامه «اخبار» را پذیرفت که در مدت زمانی کوتاه مستقل و تبدیل به روزنامه‌ای چهار صفحه‌ای تحت عنوان «اخبار ورزشی» شد.

با وجود این، نیروهای تازه چاندانی به جمع ما ملحق نشدند و فقط حجت اکبرآبادی که در سرویس آینه (بازتابی از مسائل اجتماعی) فعال بود، به جمع ما پیوست و سرویس ورزشی با همان بافت و با حضور کردی، میرزاییان، حمیدی، اکبرآبادی، بنده فقیر و یک جوان تازه نفس به نام حسن شجاعی به کارش ادامه داد. شجاعی که پیشینه‌ای در مطبوعات نداشت، با توجه به برخی معرفی‌ها و آشنایی‌ها به جمع ما اضافه شد و تا یک دهه بعد هم در سرویس ورزشی ماند.

تولدهای تازه

طی مدت مورد بحث و پیش از آنکه روزنامه ایران به درجات بالاتری از

تجربه و کارآیی برسد، تحولات و اتفاقات تازه‌ای شکل گرفت. فریدون وردی‌نژاد مدیرعامل مؤسسه ایرنا که خالق و بانی روزنامه ایران بود و این روزنامه با همت و پایمردی او شکل گرفت، در سال ۱۳۷۵ طرح تأسیس سه روزنامه جدید را که از دل روزنامه ایران بیرون می‌آمدند و به طور مستقل به عرصه حیات و فعالیت گام می‌نهادند، به تصویب رساند، یکی از آنها «ایران دیلی» بود که به زبان انگلیسی منتشر می‌شد و نسخه‌ای از «ایران» اما به زبان انگلیسی و با صفحات کمتر بود، دیگری «الوفاق» بود که به زبان عربی منتشر می‌شد و آن هم روزنامه‌ای جامع و دربردارنده تمامی شئون اما به زبان مذکور بود و سوم ایران ورزشی که روی مقوله ورزش تمرکز می‌کرد و به تمامی اخبار و رویدادهای ورزش ایران و جهان می‌پرداخت.

یازگیری مجدد

مقرر شد که هر سه روزنامه از اوایل سال ۱۳۷۶ منتشر شوند اما کارهای اجرایی و ساماندهی آنها و نفرگیری‌شان از نیمه دوم سال ۱۳۷۵ آغاز شد. یک‌بار دیگر من و محمدرضا کردی مشغول صحبت و مشورت برای تشکیل تیمی شدیم که باید «ایران ورزشی» را منتشر می‌کرد اما آن تیم باید بسیار بسط‌تر می‌بود و از اعضا و افراد بیشتری شکل می‌گرفت و طبعاً گسترده‌گی کار بسیار بیشتر از چیزی بود که برای سرویس ورزشی روزنامه در دستور کار ما قرار گرفت. با این مقدمات نیروهای زیادی در اواخر پاییز و در طول زمستان ۱۳۷۵ و اوایل بهار ۱۳۷۶ برای مذاکره و بررسی روال کار به مؤسسه ایران آمدند و شماری از آنها به توافق رسیدند و به جمع کارکنان ایران ورزشی پیوستند. از آن دست بودند پرویز زاهدی فوتبال‌نویس سابق کیهان ورزشی و دنیای ورزش که در پینگ‌پنگ و والیبال هم سرشته داشت، فریدون شیبانی و حسین خوانساری فوتبال‌نویسان وقت کیهان ورزشی که بدشان نمی‌آمد در یک روزنامه ورزشی هم بخت‌آزمایی کنند، عزیزالله اطاعتی داور بین‌المللی کشتی و عضو گروه ورزشی ایرنا که طبعاً در همین رشته ورزشی متخصص و صاحب‌نظر بود و ناصر انصافی مقدم دیگر کشتی‌نویس ایرنا که دوسه بار به مؤسسه آمد و سپس رفت و اینک ۵ سالی است که از نو با ایران ورزشی همکاری می‌کند. در همین ارتباط مرتضی شمس، عکاسی که از فن نویسندگی نیز بهره‌مند بود و به همین سبب خبرنگار هم شد، به ایران ورزشی آمد و نسل جوان‌تر هم در قالب مهری رنجبر، لیلی خرسند و امیر بهادری‌نژاد به جمع نفرات ایران‌ورزشی تزریق شدند.

کردی رفت، توکلی آمد

با این حال در این حد فاصل زمانی باز تغییراتی در کادر روزنامه صورت پذیرفت و کردی که وصف وی رفت و از پایه‌های اصلی کار و مؤسسه سرویس ورزشی و روزنامه ایران ورزشی بود، با خسته شدن از کار هر روزه و شاقی که این حرفه می‌طلبد، یک سال بعد از به راه افتادن ایران‌ورزشی عطای کار را را به لقای آن بخشید و از سمت خود استعفا داد و رفت و سران مؤسسه ایران از احمدرضا توکلی یکی از اعضای شورای سردبیری روزنامه ایران که از هیأت مؤسس این روزنامه هم بود، خواستند به جای کردی مدیرمسئول شود و او نیز پذیرفت. آمدن توکلی

و تفکرات متفاوت او در قیاس با کردی ایران‌ورزشی را وارد فاز تازه‌ای از حیات خود و طبایع و شکل و روش کار روزنامه را عوض کرد. و آن را قدری تجاری‌تر و مردم‌پسندتر و به تبع آن روی دکه‌ها پرفروش‌تر کرد. کردی به پژوهشکده ورزش در سازمان تربیت بدنی که با ایده‌های عمیق‌تر و آرامش روحی او همخوانی بیشتری داشت و در تضاد با هیاهوهای ورزشی بود، رفت و سال‌ها بعد در همان جا بازنشسته شد و ایران ورزشی با توکلی وارد دهه ۱۳۸۰ هم شد و این خط تا اواخر سال ۱۳۸۲ استمرار یافت.

دوران «رحمانی»‌ها

در این تاریخ به صلاح‌دید سران وقت مؤسسه ایران توکلی که گرفتاری‌های متعددی داشت و نشریاتی در بیرون مؤسسه هم وی را می‌خواستند از سمت مدیرمسئولی ایران ورزشی کناره گرفت و شاهین رحمانی سکاندار این روزنامه شد. اگر حقیقت‌اش را بخواهید عبارت «دوران شاهین رحمانی» برای توصیف وضعیت و دیدگاه‌های ایران ورزشی در آن سال‌ها عبارت مناسبی نیست و بهتر است از عبارت «برادران رحمانی» برای توصیف کیفیت و بیان وضعیت این روزنامه در آن ایام بهره گیریم. سیامک رحمانی برادر شاهین که همراه با وی وارد ایران ورزشی شده بود، در ظاهر فقط دستیار اول او تلقی می‌شد اما فراوان بودند کسانی که می‌گفتند سیامک حیطة اختیار و قدرت عملی به اندازه شاهین دارد و آنهایی که واقع‌بین‌تر و مطلع‌تر بودند، می‌گفتند این بواقع سیامک است که ایران ورزشی را می‌چرخاند و حرف حرف اوست. وجه برتری شاهین بر سیامک اشراف او بر زبان انگلیسی بود و همین مسأله به وی کمک کرد تا پس از جدا شدن از ایران ورزشی در سال ۱۳۸۵ به AFC برود و مسئول بخش زبان فارسی سایت این نهاد و سپس عضو کمیته مسابقات ای اف سی شود که هنوز هم در همان جا و با همان سمت و مسئولیت مشغول کار است. برادران رحمانی سبکی را که شاید مدرن‌تر بود، بر روزنامه و روش‌های کاری آن حاکم ساختند. روندی که شاید مبین سواد بیشتری بوده باشد اما فروش روزنامه را چندان بالاتر نبرد. در آن زمان «خبر ورزشی»، «هدف» و «ابرا ورزشی» هم منتشر می‌شدند و «جهان فوتبال» در راه بود و «پیروزی» و «استقلال» ارکان‌های خبری دو باشگاه بزرگ هم روی دکه‌ها جایی داشتند و ایران ورزشی رقیابی بیشتر از امروز را مقابل خود می‌دید.

دوران عطایی؛ ادغام دو دیدگاه

در پایان دوران برادران رحمانی، حجت اکبر آبادی و سپس عزیز اطاعتی در ۱۳۸۵ مدت نسبتاً کوتاهی در ایران ورزشی بودند. اما پس از آنها «داود عطایی» در ایران ورزشی به روی کار آمد و این اتفاق در سال ۱۳۸۶ و زمانی روی داد که کاوه اشتهارداری مدیرمسئولی روزنامه ایران را برعهده داشت و وظایف مدیرعاملی را نیز انجام می‌داد. عطایی در یک سال نخست حیات روزنامه ایران در سرویس «تاریخ» آن کار می‌کرد اما گرایش‌هایش بیشتر ورزشی بود. به همین سبب بود که پس از به راه افتادن روزنامه «جوان» پیشنهاد آن نشریه برای دبیری سرویس ورزشی را پذیرفته و به آن مؤسسه کوچ کرده بود. عطایی دیدگاهی به کلی متفاوت با برادران رحمانی داشت. او بیشتر معتقد به چاپ روزنامه‌ای بود که با گرایش‌های عادی



تصویری از همکاران تحریریه و فنی ایران ورزشی که در سال ۱۳۹۵ ثبت شده است. تعدادی از این همکاران همچنان در ایران ورزشی حضور دارند